

گفتگو با تاریخ- نورالدین کیانوری

گردهای منطقه

جز خودمختاری چیزی نمی خواهند

درباره مبارزات آقایان روحانیون مبالغه نکنید!

س: قدری در باره مسأله کردها حرف بزنیم.

کیانوری: می دانید مسئله کردها بسیار بغرنج است. خیلی رنگ می گیرد و عوض می شود، ولی هسته مرکزی آن عبارت است از کوشش مردم کردستان برای حفظ فرهنگ و ملیت کردی خودشان، و این را در این دوره تاریخی فقط به صورت پیدا شدن خودمختاری ها در سه کشور ایران، ترکیه و عراق می توان دید. هیچ امکان بیشتری ندارند و رهبرانشان می دانند که غیر از این ممکن نیست.

س: دفاع محافل اسرائیلی از کردها به خاطر چیست؟

کیانوری: اسرائیل در هر جا که کسی علیه دیگری بجنگد و به ضرر ایران باشد، موافق است. ولی الان به خاطر ارتباطی که با ترکیه دارد، با کردها نیست و کوتاه آمده است. اسرائیل آنقدر به ترکیه نزدیک شده که دیگر هر دو کشور به صورت متحد در آمده اند.

س: پیمان های نظامی منطقه...

کیانوری: پیمان های سنتو و اوپک بعد از اقدام نیمه کار فدائیان اسلام برای ترور حسین علاء نخست وزیر وقت درست شد. از لحاظ سیاسی پیمان سنتو ضد شوروی بود. پیمان اکو هم اقتصادی بود و اول فقط در کشورهای ترکیه، پاکستان و ایران شکل گرفت، بعد کشورهای دیگر به آن اضافه شدند. پیمان اوپک هم متشکل از کشورهای نفتی بود که با ابتکار ایران تشکیل شد. از لحاظ سیاست خارجی، وضعیت بهبود روابط ایران و شوروی خیلی تغییر کرد. ایران در سال ۱۹۶۰ رسماً اعلام کرد که به هیچ کشور خارجی پایگاه موشکی نخواهد داد. برای اینکه شوروی در آن تاریخ هنوز موشک های قاره پیما نداشت و موشک های با بُرد متوسط داشت. از لحاظ جنگی هم که جنگ سردی با امریکایی ها شروع شده بود و فوق العاده ناراحت بود، به همین خاطر موشک شوروی در کوبا جنجال درست کرد و امریکا نزدیک بود به کوبا حمله کند. زمان کندی بود. همان وقت هم شوروی می ترسید که اگر امریکا توان موشکی به ایران بدهد، مناطق استراتژیکی زیر ضربه بمب اتمی قرار می گیرد. به همین علت رادیو مسکو حملات فوق العاده ای به رژیم شاه کرد. بعد شاه با موافقت امریکایی ها این مطلب را مطرح کرد که چیزی نیست و روابط حسنه شد. شوروی پیشنهاداتی مثبت ارائه کرد و در مسائل اقتصادی حاضر شد و گاز از ایران خرید و مصرف کرد و گاز خودش را به آذربایجان داد. بعد در ذوب آهن حاضر شد تا این که آرزوی قدیمی ایرانی ها برآورده شود.

پیش از این، دولتها هیچ وقت حاضر به انجام این کار نشدند. چندین بار به امریکائی ها در زمان رضاخان و محمدرضا پیشنهاد کردند تا کارخانه ذوب آهن درست کنند، ولی آنها حاضر نمی شدند. به شوروی که پیشنهاد دادند پذیرفت. بعد نوبت کارخانه ماشین سازی اراک، ماشین سازی تبریز و پیشنهاداتی برای معادن ذغال سنگ و... شد. آنها کار می کردند و این کمک مؤثری در صنعتی کردن کشور در دوران محمدرضا بود.

غیر از این نوع روابط، در همان دوران، شوروی مرکز کمک به جریان های ملی گرا و آزادیخواه در دنیا هم بود. به جاهایی مثل امریکای جنوبی و افریقا جنوبی و الجزایر و به همه جا کمک می کرد. خوب، این کار مؤثری در دنیا بود. یعنی تمام احزاب کمونیست دنیا مسأله

حمایت سیاسی از شوروی را جزو اساس سیاست خودشان قرار داده بودند و حزب ما هم همین سیاست را داشت.

در این دوران گروه‌های چریکی در ایران فعال شده بودند و ما همان وقت به سیاست چریک‌ها ابراد داشتیم که آقا؛ این راهش نیست، باید راه سیاسی را رفت، با راه چریکی رفتن در جنگل، این کارها پیش نمی‌رود.

س: همان موقع که شوروی مناسباتش را با رژیم شاه گسترش داده بود و حزب توده هم سیاست حمایت از این گسترش مناسبات را دنبال می‌کرد، علاوه بر چریک‌ها و مجاهدین خلق، بخش قابل توجهی از نیروهای مذهبی هم یا در زندان بودند یا کشته می‌شدند و منهای حرکت چریکی، مبارزات سختی با رژیم داشتند و در زندان مقاومت‌های غیر قابل توصیف می‌کردند.

کیانوری: اتفاقاً اگر این حساب را بکنیم، در دوران شاه امکاناتی که برای مذهب‌یون بود خیلی زیاد بود، مساجد بسیار آزاد فعالیت می‌کردند. فشار زیادی متوجه مذهب‌یون‌ها نبود. از سال ۴۴ تا ۵۵ شدید شد. دوران مهم فعالیت مذهب‌یون از ۵۵ تا ۵۷ بود.

درباره ملیون هم مثلاً غلامرضا نجاتی در کتاب تاریخ خودش اشاره می‌کند که از سال ۴۱ به بعد این جبهه سیاست صبر و انتظار را پیش گرفته بود و لذا از صفحه سیاست کنار رفته بود. بیژن جزنی هم در مورد حزب توده ایران چنین تحلیلی دارد که بعد از کودتای ۳۲ بخصوص تا ۳۶ و ۳۸ جریان‌های مذهبی رشد کردند. بعضی مساجد و حوزه‌ها در تهران و شهرستانها فعال شدند و رژیم هم این مساجد را گاه می‌بست و برخی وعاظ را هم دستگیر می‌کرد. مثلاً مسجد جاوید، مسجد قبا، مسجد جلیلی و مسجد جامع نارمک و برخی روحانیون هم تبعید می‌شدند، که به قول مرحوم آیت الله طالقانی "یکی از بزرگترین خدمات‌هایی که شاه کرد تبعید آقایان بود. این تبعید باعث شد که آقایان فرصتی پیدا کنند به مناطق دوردست بروند و در آنجا یک سری کارهای اساسی را شروع کنند؛ این کارها در رشد و حرکت عمومی نقش تعیین‌کننده‌ای داشت."

حسینه ارشاد هم سال ۴۵ تأسیس و سال ۱۳۵۰ بسته شد. روحانیونی مانند آیت الله مطهری هم در دانشکده الهیات مشغول کار شد. البته بی‌خاصیت‌ترین دانشکده‌ها به لحاظ اسلامی، دانشکده الهیات بود. بعد هم آیت مفتح و عزتی و سید محمد باقر حجتی، بقیه استاتید این دانشکده بودند. امثال آقایان خامنه‌ای، مصطفی خمینی و رفسنجانی هم زندانی شدند ولی زندان‌هایشان کوتاه بود.

س: [مصطفی خمینی] در ۴۳ زندانی شد و اواخر ۴۳ به ترکیه تبعید شد. آقای فروهر هم مدتی با او زندانی بود و خاطرات جالبی داشت. خوب برگردیم به بحث روابط شوروی.